



تأثیرپذیری ابن سینا از حکیمان ایران باستان بیش از تصور ماست

نویسنده و مدرس فلسفه گفت: ابن سینا علاوه بر تأثیری که از فرهنگ اسلامی پذیرفته، بیش از همه متأثر از ارسطو و فلوپین است ...

نویسنده و مدرس فلسفه گفت: ابن سینا علاوه بر تأثیری که از فرهنگ اسلامی پذیرفته، بیش از همه متأثر از ارسطو و فلوپین است و اگر بپذیریم که فلسفه ایران باستان از طریق افلاطون به ارسطو و فلوپین رسید، می‌توان نتیجه گرفت که سهم تفکر حکیمان ایران باستان در فلسفه ابن سینا بیش از آن چیزی است که تصور می‌شود. مرتضی شجاری، رئیس گروه فلسفه دانشگاه تبریز در گفتگو با خبرنگار مهر، بحث از نور و حقیقت آن را از مهمترین مشخصه‌های فلسفه ایران باستان دانست و گفت: از نظر حکیمان ایرانی حقیقت هستی «نور" است و طرفه آن که در آیه کریمه قرآن نیز خداوند نور آسمان‌ها و زمین نامیده شده است.

شجاری درباره تأثیرگذاری فلسفه ایران باستان بر فلاسفه عقل‌گرا مانند ابن سینا افزود: به یقین ابن سینا علاوه بر تأثیری که از فرهنگ اسلامی پذیرفته، بیش از همه متأثر از ارسطو و فلوپین است و اگر بپذیریم که فلسفه ایران باستان از طریق افلاطون به ارسطو و فلوپین رسید، می‌توان نتیجه گرفت که سهم تفکر حکیمان ایران باستان در فلسفه ابن سینا بیش از آن چیزی است که تصور می‌شود. اما متأسفانه تاکنون پژوهشی شایسته در اینباره به انجام نرسیده است.

مدرس فلسفه دانشگاه تبریز در پاسخ به این سؤال که چرا به نظر می‌رسد که سهم فلسفه ایران پیش از اسلام در فلسفه اسلامی کمتر از فلسفه یونانی است، گفت: سؤال را باید اینگونه مطرح کرد که چرا اهل فرهنگ ما و به خصوص دانشجویان فلسفه با فلسفه ایران پیش از اسلام آشنایی ندارند. مقصود این است که ندانستن چیزی دلیل بر نبودن آن نیست «عدم الوجدان لایدلّ علی عدم الوجود". ظنّ قوی دارم که فلسفه یونانی متأثر از فلسفه ایران باستان است و فلسفه اسلامی در آن مقداری که از فلسفه یونانی تأثیر پذیرفته، با واسطه از فلسفه ایرانی متأثر شده است.

شجاری درباره ردپاهای فلسفه ایران باستان در فلسفه اسلامی گفت: اگر فلسفه را اندیشیدن و تفکر در هستی تعریف کنیم، به یقین حکیمان ایران باستان فیلسوفان بزرگی بوده‌اند و تأثیر آنان نه تنها در فلسفه اسلامی بلکه در فلسفه یونانی، به خصوص در تفکرات افلاطون و نیز در فلسفه مسیحی نیز مشهود است. بحث «انسان کامل" که چند فصلی از کتابم با عنوان «انسان‌شناسی در عرفان و حکمت متعالیه" نیز به آن می‌پردازد، مثال خوبی برای این مورد قلمداد می‌شود.